

تأمین مالی شرکت‌های مبتنی بر دانش و استراتژی شفافیت تخصیص بهینه منابع بانکی

غلامرضا صبوری

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

اعظم بابکی راد*

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

سیدوحید شالباف یزدی

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

<https://doi.org/10.22067/mfe.2024.90933.1475>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

در عصر حاضر اقتصاد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بر پایه دانش تجاری‌سازی شده بنا شده است. بعلاوه، چرخ‌های اقتصاد ایران حول محور بانک‌ها می‌چرخد و این خود نقش کلیدی بانک‌ها را در تأمین منابع مالی شرکت‌های دانش‌بنیان بیان می‌کند. لذا پژوهش حاضر، با هدف طراحی و ارائه مدل خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی ایران (مورد مطالعه: شرکت‌های دانش‌بنیان) انجام شده است. رویکرد پژوهش استقرایی با استفاده از استراتژی نظریه‌پردازی داده بنیاد است. جامعه آماری خبرگان، صاحبان‌نظران، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران سیاست‌های نظام بانکی و مدیران بانک‌های دولتی و اساتید حوزه‌ی مدیریت دولتی با گرایش‌های خط‌مشی‌گذاری بودند که با استفاده از اصل اشباع و روش نمونه‌گیری گلوله برفی، دوازده نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته استفاده شد. برای تأمین اعتبار در مرحله کیفی از درگیری طولانی‌مدت و مشاهده مداوم و بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان استفاده شده است. جهت افزایش قابلیت تأیید در این تحقیق، محقق به بررسی داده‌های خام، تفسیرها و پیشنهادها و یافته‌ها به طور دقیق پرداخته است. در راستای تأیید پایایی، برای محاسبه‌ی ضریب توافق دو کدگذار از ضریب کاپا استفاده شد که مقدار آن ۰/۷۴۲ بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا انجام شد. نتایج، نشان دهنده‌ی استخراج ۱۷۳ کد باز در قالب ۱۵ مولفه و ۶ مقوله شناسایی شد. بر اساس نتایج، برای خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی ایران طراحی سنجه‌ها و شاخص‌های مرتبط با شفافیت تخصیص منابع از اهمیت زیادی برخوردار است.

کلیدواژه: خط‌مشی‌گذاری، شفافیت تخصیص منابع، تئوری داده بنیاد.

* نویسنده مسئول: babaki.rad@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳

صفحات: ۳۳-۵۵

مقدمه

امروزه اقتصاد دانش‌بنیان و به عبارتی اقتصاد مبتنی بر دانش و فناوری به مهم‌ترین راهبرد توسعه اقتصادی کشورها تبدیل شده و شرکت‌های دانش‌بنیان نیز به همین نسبت مورد توجه قرار گرفته‌اند. شرکت‌های مبتنی بر دانش، معمولاً شرکت‌های هستند که به عنوان خالق دانش، توسعه فناوری‌های جدید، تطبیق دانش جهانی با زمینه‌های محلی عمل می‌کنند (Fotoohi, 2024). شرکت‌های دانش‌بنیان در هدایت توسعه پایدار از طریق کاربرد نوآورانه فناوری، تولید دانش سطح بالا، تحقیق و توسعه بسیار مهم هستند (Camison et al., 2019). از اینرو، شرکت‌های دانش‌بنیان با تکیه بر دانش و فناوری‌های نوین بدون نیاز به سرمایه‌های هنگفتی که در صنایع سنگین و سنتی به آن نیاز است، نقش مهمی در افزایش تولید، بهره‌وری و اشتغال‌زایی ایفا می‌نمایند.

شرکت‌های دانش‌بنیان از تخصص دانشمندان، متخصصان فنی و کارکنان ماهر برای تسریع تحول و رشد اقتصادی استفاده می‌کنند و نقش مهمی در پیمایش پیچیدگی‌های محیط کسب و کار جهانی دارند (Jensen & Clausen, 2017). مزیت رقابتی این شرکت‌ها در دانش فنی و توانایی فناوریانه نهفته است که برای پرورش دانش بومی و نوآوری در حوزه‌های مختلف حیاتی است (Fartash et al., 2022). کسب و کارهای دانش‌بنیان نقش مهمی در اثربخشی تولید، تبلور دانش در محصولات و خدمات جدید، ارتقاء سطح اقتصاد، رفاه، تولید ثروت و ارزش‌افزوده در یک جامعه ایفا می‌کنند (Baghernezhad et al., 2019). اخیراً، بانک‌ها با درک نقش ویژه شرکت‌های دانش‌بنیان سرمایه‌گذاری و حمایت از این شرکت‌ها را در اولویت‌های خود قرار داده‌اند (Khatib et al., 2021).

با توجه به جهانی شدن بازارهای مالی، امروزه اکثر بانک‌ها در حال گذار به سمت تبدیل شدن به موسسات دانش‌بنیان هستند یا حمایت‌های ویژه‌ای از شرکت‌های دانش‌بنیان دارند (Sarmadi et al., 2024). با گذار ایران از یک اقتصاد دولتی به اقتصادی که توسط شرکت‌های خصوصی هدایت می‌شود، شرکت‌های دانش‌بنیان، با چالش‌های متمایزی در دستیابی به رشد پایدار مواجه شدند (Farnoodi et al., 2020). در ایران، اسناد راهبردی کشور از جمله سیاست‌های مندرج در اصل ۴۴ قانون اساسی، برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه و سند چشم‌انداز بیست ساله بر اهمیت بخش‌های دانش‌بنیان برای توسعه اقتصادی تأکید دارد (Valibeigi et al., 2020). در این راستا بانک ملی ایران، حمایت همه‌جانبه‌ای از شرکت‌های دانش‌بنیان در سیاست‌ها و برنامه‌های خود ارائه داده است. سیاست‌های بانک ملی در جهت کمک و تسهیل امور طرح‌های دانش‌بنیان و فناوری که مشغول تحقیق، تولید و توسعه محصول هستند، می‌باشد. از طرفی، با توجه به شرایط حاکم بر منابع مالی کشور و به تبع آن، بانک‌ها برای تأمین اعتبار و تخصیص منابع مالی به شرکت‌های پرریسک مانند شرکت‌های دانش‌بنیان نیاز به خط‌مشی‌گذاری شفاف در این راستا دارد (Matinnafs et al., 2020).

خط‌مشی‌گذاری اقدامات، اهداف و اعلامیه‌های دولت‌ها در مورد موضوعات خاص و گام‌های اجرایی آن‌ها می‌باشد (Brikland, 2015). تدوین خط‌مشی‌های مناسب برای انجام صحیح فعالیت دولت‌ها ضروری است (Wang et al., 2022). دو دیدگاه متفاوت درباره اجرای خط‌مشی‌ها وجود دارد. اولین دیدگاه که نگرشی سنتی به مسئله اجرای خط‌مشی دارد و مفروضات اصلی آن جدائی مرحله تنظیم و تدوین خط‌مشی و اجرای آن می‌باشد (Amiri et al., 2021). با این حال و پس از نتایج بسیار ضعیفی که از اجرای خط‌مشی‌های تدوین شده به شیوه سنتی به دست آمد، بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه خط‌مشی‌گذاری و اجرا، نگرش جدید را در اجرای خط‌مشی مورد توجه قرار دادند که بر پیوستگی و وابستگی متقابل بین تمام گام‌های فرآیند خط‌مشی‌گذاری و اجرا تاکید می‌کنند (Wang et al., 2022). تدوین برنامه، عملیاتی نمودن، اجرا و ارزیابی و اصلاح آن، ضروری است (Efunniyi et al., 2024). از اینرو، افزایش سطح آگاهی و دانش مسئولان و مدیران ارشد جامعه از ضروریات تدوین خط‌مشی، نشان دهنده نقش و اهمیت آن در بهبود زندگی اجتماعی و تغییر در الگوهای رفتاری است (Sharifinia et al., 2022). خط‌مشی‌گذاری مناسب بانک‌ها در تخصیص منابع، شفافیت در فرآیندهای وام و توانایی رقابت در تصمیم‌گیری، ارائه راه‌حل‌های اعتباری مناسب، و حفظ پایداری سیستم را در بلندمدت تضمین می‌کند (Sulastri et al., 2024).

امروزه، صنعت بانکداری جهان با توسعه فناوری و دانش رشد چشمگیری داشته است. با این وجود، بخش بانکداری و خدمات مالی ایران در مقایسه با استانداردهای جهانی هنوز توسعه نیافته باقی مانده است. از طرفی، فقدان نظام منسجم تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری موجب بروز پیامدهایی قابل توجهی در جامعه شده است. این پیامدها، نبود نظم در گردش کار جامعه و نظامات اجتماعی وابسته، مخدوش‌سازی نظام تقسیم کار اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود. از طرفی، آینده سازمان‌ها بستگی شدیدی به سیاست‌های دولت‌ها دارد، به ویژه اینکه بانک‌ها خصوصاً در ایران کاملاً با سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولتی همسو و همراستا هستند. لذا برای دستیابی به الگوی مناسب خط‌مشی‌گذاری، ارائه یک خط‌مشی‌گذاری با مدلی بومی که بتواند ضمن علمی بودن، پاسخگوی نیازهای محصولات و خدمات شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور بوده، و برنامه‌ریزی متناسب با آن داشته باشد، ضروری است. یک مدل خط‌مشی‌گذاری مناسب می‌تواند به توسعه تولیدات دانش‌بنیان‌ها کمک کند. بعلاوه، مدل خط‌مشی‌گذاری مناسب برای بانک با گسترش بازارهای جهانی و افزایش رقابت در بازارهای خدمات مالی، سودآوری این صنعت را تحت تاثیر قرار دهد. لذا دولت می‌تواند با ایفای نقش‌های تسهیل‌گری و حمایتی خود از فرآیند شفاف‌سازی تخصیص بهینه منابع مالی در شرکت‌های دانش‌بنیان، در رشد و توسعه اقتصادی کشور مؤثر باشد. بنابراین با توجه به اینکه تخصیص منابع به شرکت‌های دانش‌بنیان یکی از کارکردهای مهم بانک به عنوان واسطه مالی می‌باشد و از آنجایی که امروزه شرکت‌های دانش‌بنیان، کارآفرینی و تولید ثروت را در سطح ملی تقویت می‌کنند و با تجاری‌سازی دستاوردهای علمی و فناوری، نقش کلیدی در اقتصاد دارند. بنابراین توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان از ملزومات رشد و پیشرفت محسوب می‌شود. لذا توجه به سیاست‌گذاری در راستای شفافیت در تخصیص بهینه منابع مالی به عنوان یکی از شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری در بانک‌ها و اهمیت نقش آن در تصمیمات مرتبط با نحوه تجهیز منابع، تامین مالی و همچنین چگونگی تخصیص منابع، ضروری است. با این حال، تحقیقات قبلی به این مورد توجه کافی نداشتند. برای پرکردن این شکاف و ارائه توصیه‌های عملی برای

سیاست‌گذاران، رهبران صنعت و سایر ذینفعان، هدف این مطالعه، طراحی و تدوین مدل خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی ایران با تمرکز بر شرکت‌های دانش‌بنیان است. منطق پشت مطالعه ما دوگانه است. از یک طرف، با ارائه طرح خط‌مشی‌گذاری مناسب برای تخصیص منابع به شرکت‌های دانش‌بنیان، گامی در جهت رشد و توسعه کشور برداشته می‌شود. از طرف دیگر، با ارائه مدل مناسب خط‌مشی‌گذاری، بازگشت منابع بانکی تضمین می‌شود که می‌تواند به توسعه صنعت بانکداری کمک کند. یافته‌های تجربی این مطالعه، علاوه بر بهبود سیستم تخصیص منابع بانک، به حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان نیز کمک می‌کند.

ادبیات نظری پژوهش

مبانی نظری

خط‌مشی‌گذاری شفافیت، مفهومی است که به شفافیت عملکرد دولت اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و فناوری، نوآوری را در این زمینه بسیار مفید می‌داند (Imawan & Fathurrahman, 2022). خط‌مشی‌گذاری یا همان سیاست‌های سازمان را مدیریت ارشد سازمان تعیین می‌کند و با تدوین سیاست‌های کلان سازمان از بروز هرگونه تضاد یا تعارض درون سازمانی جلوگیری می‌شود. به عبارتی بهتر در خط‌مشی‌گذاری شیوه اندیشیدن و مسیر تفکر اعضای سازمان مشخص می‌شود (Dergiades et al., 2020). همچنین فرایند خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی تلاشی است در جهت تحقق اهداف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که ارزش‌ها و عوامل سیاسی یک جامعه در آن دخیل است، می‌باشد. در واقع، موفقیت بانک‌ها به عنوان یک نهاد مالی و اقتصادی بستگی به نوع سیاست‌گذاری آن‌ها دارد (Sharifinia et al., 2022). بخش قابل ملاحظه‌ای از نقش نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر وضعیت و عملکرد مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از طریق حساب‌رسان مستقل به عنوان یکی از ارکان نظارتی و بازوی اجرایی بانک مرکزی محقق می‌شود. لذا کیفیت رسیدگی‌ها و گزارش‌های حساب‌رسی و بازرسی قانونی نقش مهمی را در شفافیت مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ایفا می‌کند. با توجه به ماهیت سیستم بانکداری در ایران، عدم شفافیت اطلاعات در تخصیص منابع بانکی و تفاوت در ساختار و نوع فعالیت بانک‌های ایران در مقایسه با بانک‌های بین‌المللی استفاده از مدل و شاخص‌های مورد استفاده توسط بانک‌های خارجی مطلوبیت لازم را نداشته و مناسب است الگویی داخلی با توجه به ماهیت و ساختار بانک‌های کشور تدوین و طراحی شود (Sattari et al., 2019).

پیشینه تحقیق

بر اساس نتایج جست‌وجو در تحقیقات گذشته و ادبیات پژوهش، تاکنون پژوهشی به طور مشخص در زمینه‌ی طراحی و تدوین مدل خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی ایران (مورد مطالعه: شرکت‌های دانش‌بنیان) انجام نگرفته است لذا صرفاً می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد که نسبتاً با پژوهش حاضر مرتبط هستند. Sharifinia et al (2022) در مطالعه‌ای با عنوان شناسایی موانع خط‌مشی‌گذاری جهت تخصیص منابع پولی در نظام بانکی کشور با روش دلفی نشان داد که مسائل شامل (مجریان خط‌مشی، ساختار قوانین و سازمان‌های اجراکننده خط‌مشی، منابع و امکانات، سیاست‌های سازمانی، سیاست‌های قانونی، فساد سیستمی، گروه‌های فشار، ذینفعان وابسته، شاخص‌های اقتصادی، فرآیندهای داخلی) از آسیب‌های خط‌مشی‌گذاری در ایران هستند.

Ghadami et al (2022) در مطالعه‌ای به طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری بانکداری دیجیتال مبتنی بر رویکرد شبکه‌ای در ایران پرداختند. آن‌ها دریافتند که برای سیاست‌های عمومی الگویی که شامل ضرورت‌ها و دلایل، درونداده‌ها، بازیگران، عوامل موثر بر روابط هم‌افزا و پیامدهای خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در بانکداری دیجیتال باشد، ضروری است.

Dosti Shrodani & Khani (2022) در مطالعه‌ای به طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری تاب‌آوری کسب و کارهای دانش‌بنیان در دوران کرونا پرداختند. آن‌ها دریافتند که شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانند با چرخش هوشمندانه در مدل کسب و کار، شناسایی بازارهای هدف جدید، استفاده از خلاقیت و دانش نو و بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها در برابر بحران کووید-۱۹، به خوبی مقاومت کرده و بحران کرونا را تبدیل به فرصتی برای رشد شرکت تبدیل نمایند.

Wang et al (2022) در مطالعه‌ای با عنوان قدرت بازار بانک و انتقال خط‌مشی سیاست پولی نشان دادند که قدرت بازار بانک بخش عمده‌ای از انتقال سیاست پولی به وام‌گیرندگان را توضیح می‌دهد. هنگامی که نرخ وجوه فدرال به زیر ۰/۹ درصد می‌رسد، قدرت بازار با مقررات سرمایه بانک در تعامل است تا اثر سیاست پولی را معکوس کند.

Desalegn et al (2022) در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر سیاست پولی و سرمایه‌گذاری خصوصی بر تأمین مالی سبز نشان دادند که سیاست پولی، همانطور که با نرخ بهره و عرضه گسترده پول اندازه‌گیری می‌شود، تأثیر متفاوتی بر سطح تأمین مالی سبز دارد. نرخ بهره به ویژه در بلندمدت و کوتاه‌مدت رابطه منفی و معناداری با تأمین مالی سبز دارد. با این حال، عرضه گسترده پول رابطه مثبت اما ناچیز با تأمین مالی سبز در بلندمدت دارد. آن‌ها همچنین دریافتند که سرمایه‌گذاری خصوصی هم در بلندمدت و هم در کوتاه‌مدت رابطه مثبت و معناداری با تأمین مالی سبز دارد.

Lai & Wu (2023) در مطالعه‌ای با عنوان شفافیت سیاست پولی و تعدیل نرخ ارز واقعی نشان دادند که جنبه اقتصادی شفافیت، تعدیل نرخ ارز واقعی را در کشورهای غیرصنعتی تسهیل می‌کند. نیروی محرکه این یافته این است که شفافیت اقتصادی تعدیل نرخ ارز اسمی را افزایش می‌دهد. با این حال، هیچ یک از ویژگی‌های مختلف شفافیت سیاست پولی به طور قابل توجهی بر تعدیل نرخ ارز واقعی در کشورهای صنعتی تأثیر نمی‌گذارد.

Fotoohi (2024) در مطالعه‌ای چالش‌های رشد چندوجهی شرکت‌های دانش‌بنیان را در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران بررسی کرده است. وی محدودیت‌های در چندین حوزه (شامل محدودیت‌های مالی، محدودیت‌های توسعه بازار، و پیچیدگی‌های سیاسی، نظارتی و قانونی) شناسایی کرد. او همچنین نشان داد که چالش‌های مالی با دسترسی محدود به تجهیزات با کیفیت بالا و پرسنل ماهر تشدید می‌شوند. علاوه بر این، توسعه بازار داخلی و بین‌المللی هر دو با موانع قابل توجهی روبرو هستند و مسائل مقرراتی و قانونی، مانند حمایت ناکافی از مالکیت معنوی و فرآیندهای اداری دست و پاگیر، این چالش‌ها را تشدید می‌کند.

Sarmadi et al (2024) در مطالعه‌ای به دنبال رتبه‌بندی عوامل حیاتی موفقیت مدیریت دانش در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد ترکیبی از تکنیک‌های کمی و کیفی بودند. برای این منظور، آن‌ها در مرحله کیفی، از روش متاستز، و در مرحله کمی از روش مبتنی بر رویکرد سلسله مراتبی فازی استفاده کردند. نمونه آن‌ها ۲۰ نفر از متخصصان حوزه‌های علم اطلاعات و همچنین متخصصان با تجربه در مدیریت دانش و مدیران بانکی بود. یافته‌ها نشان داد که منابع انسانی با وزن ۰/۱۷۳ در رتبه دوم، تحصیلات با وزن ۰/۱۵۷ در رتبه سوم، ساختار سازمانی با وزن ۱۳۵/۴ در رتبه چهارم، فناوری زیرساخت با وزن ۰/۱۲۴ در رتبه پنجم، ارزشیابی و سنجش دانش با وزن ۰/۱۰۳ در رتبه ششم و فرهنگ سازمانی با وزن ۰/۰۹۵ در رتبه هفتم قرار دارد. در نهایت بررسی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد در اغلب تحقیقات انجام شده در داخل کشور و خارج از کشور معمولاً طراحی و تدوین مدل خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی صورت نپذیرفته است. بنابراین توجه به این موضوع در نظام بانکی ایران ضروری به نظر می‌رسد.

روش پژوهش

پارادایم پژوهش از نوع عملگرایانه است. از آنجا که در این تحقیق، با رویکرد استقرایی و با ابزار مصاحبه از خبرگان داده‌های مربوط به مطالعه طراحی و تدوین مدل خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی ایران (مورد مطالعه: شرکت‌های دانش بنیان) استخراج شده است، نوع تحقیق، کیفی می‌باشد. همچنین از رویکرد اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰) برای استراتژی تحقیق نظریه‌پردازی داده بنیاد استفاده شده است. در این پژوهش، خبرگان، صاحب‌نظران، سیاستگذاران و مدیران بانک‌های دولتی و اساتید حوزه‌ی مدیریت دولتی با گرایش‌های خط‌مشی‌گذاری با مدرک تحصیلی دکتری در یکی از رشته تحصیلی مدیریت دولتی (گرایش خط‌مشی‌گذاری، مدیریت استراتژیک و مدیریت مالی)، با سابقه بیش از ۱۰ سال مدیریت در بانک‌ها و سابقه درخشان در بانک و تسلط به موضوعات منابع دولتی و خط‌مشی‌گذاری به عنوان نمونه آماری روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری مورد مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه‌ها با ۱۲ خبره و عضو هیأت علمی انجام شد. هنگامی که پژوهشگران مطمئن شدند که دیگر یافته‌هایی به اطلاعات به دست آمده اضافه نمی‌شود، انجام مصاحبه‌های علمی را خاتمه دادند. مصاحبه‌های انفرادی با مصاحبه‌شوندگان انجام شده است. برای بررسی مقدماتی ۱۴ سوال طرح شده است. برای تحلیل داده‌های این پژوهش در مرحله پژوهش کیفی از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش کدگذاری از نرم افزار مکس کیودا^۱ استفاده شده است که در آن مقوله‌ها، مولفه‌ها به صورت کدگذاری باز و محوری دسته‌بندی شده‌اند. در این تحقیق جهت اخذ تأمین اعتبار در مرحله کیفی از درگیری طولانی‌مدت، مشاهده مداوم و بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان استفاده شده است. همچنین در این پژوهش هر مصاحبه چند بار شنیده شده و بازنگری شده است. بعد از انجام مصاحبه، داده‌های مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان کنترل گردید. همچنین برای افزایش قابلیت تأیید در این تحقیق، محقق به بررسی داده‌های خام، تفسیرها و پیشنهادها و یافته‌ها به طور دقیق پرداخته است. محقق پس از تحلیل، داده‌های خود را به سه

^۱ . Strauss & Corbin

^۲ . MAXQDA

نفر از متخصصان ارائه داده است و با اندکی اصلاحات و بر اساس پایداری ابزار استفاده شده در مطالعه کیفی مورد تأیید قرار گرفت. در راستای تأیید پایداری، برای محاسبه‌ی ضریب توافق دو کدگذار از ضریب کاپا^۱ استفاده شده است. به عبارت دیگر ۱۵ درصد از اسناد یا همان مصاحبه‌های تحقیق که محقق کدگذاری کرده، برای ارزیابی در اختیار یکی از خبرگان قرار گرفته و نتایج حاصل از کدگذاری دو محقق نشان می‌دهد که ضریب کاپای محاسبه شده، مقدار ۰/۷۴۲ بوده است که با توجه به این که بیشتر از ۰/۶ است و سطح معنی‌داری حاصل شده برای شاخص کاپا کوچکتر از ۰/۰۵ است، فرض استقلال کدهای استخراجی رد و وابستگی کدهای استخراجی تأیید می‌شود. در نهایت، جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد از نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شده است که در آن مقوله‌ها، مولفه‌ها و عوامل مشخص شده است. لازم به ذکر است جهت تحلیل داده‌ها در ابتدا عبارات معنایی یا داده‌های مصاحبه تبدیل به کدهای اولیه شده است. کدهایی که از لحاظ معنی و مفهوم در یک دسته قرار می‌گرفتند، در دسته‌بندی بزرگتری قرار گرفتند سپس مفاهیم انتزاعی‌تر نیز از آن‌ها استخراج شد. پس از کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مدل تحقیق کشف شد.

نتایج تجربی و بحث

همان گونه که اشاره شد، در این تحقیق، با استفاده از رویکرد استقرایی مصاحبه با خبرگان انجام شده است. از بین داده‌های مستخرج شده از مصاحبه، ۱۷۳ کد باز یا شاخص اولیه مربوط به خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی استخراج شده است. در ادامه محقق، به منظور اینکه کدهای اولیه یا باز را در یک دسته‌بندی قرار دهد، مولفه‌های مرتبط با آن‌ها را شناسایی کرده و به صورت ابعاد تدوین نموده است که در جدول (۱) به نتایج نهایی آن اشاره شده است:

جدول (۱): کدها و طبقه‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری انتخابی

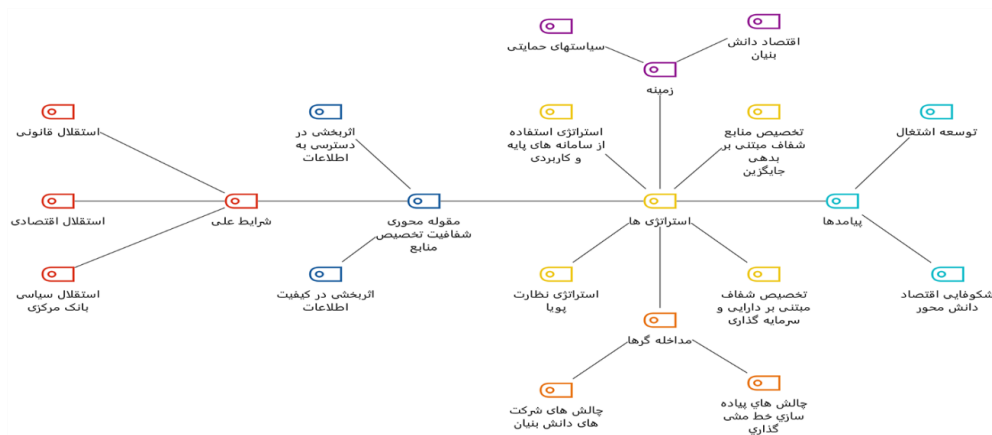
کدگذاری نظری	کدگذاری باز و کدگذاری انتخابی
مقوله	طبقه
عوامل علی	استقلال اقتصادی
	استقلال سیاسی
	استقلال قانونی
محوری	اثربخشی در کیفیت اطلاعات
	اثربخشی در دسترسی به اطلاعات
استراتژی	نظارت پویا
	استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی
	تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری

^۱ . Kappa

تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین	پیامدها
شکوفایی اقتصاد دانش محور	
توسعه اشتغال	
سیاست های حمایتی	زمینه
اقتصاد دانش بنیان	
چالش های پیاده سازی خط مشی گذاری	مداخله گر ها
چالش های شرکت های دانش بنیان	

منبع: یافته های تحقیق

همانطور که در جدول (۱) مشاهده می شود، مقوله عوامل علی شامل ۳ مولفه استقلال اقتصادی، سیاسی و قانونی است. مقوله محوری (شفافیت تخصیص منابع) شامل ۲ مولفه اثربخشی در کیفیت اطلاعات و اثربخشی در دسترسی به اطلاعات است. مقوله استراتژی ها شامل ۴ مولفه (نظارت پویا، استفاده از سامانه های پایه و کاربردی، تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه گذاری و تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین) می باشد. مقوله پیامدها شامل ۲ مولفه شکوفایی اقتصاد دانش محور و توسعه اشتغال است. مقوله زمینه خدمات شامل ۲ مولفه سیاست های حمایتی و اقتصاد دانش بنیان و در نهایت مقوله مداخله گر ها شامل ۲ مولفه چالش های پیاده سازی خط مشی گذاری و چالش های شرکت های دانش بنیان است. در نهایت مدل پارادایمی حاصل در شکل (۱) نشان داده شده است:



شکل ۱: خط مشی گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی ایران

در ادامه هر یک از عناصر این مدل به تفصیل و با جزئیات مبتنی بر مصادیق گفتاری مصاحبه شوندگان، تشریح می شود.

- مقوله شرایط علی

شرایط علی شفافیت تخصیص منابع بانکی ایران شامل شرایطی است که باعث می شود تخصیص منابع بانکی به صورت شفاف ارائه شود. مولفه های شرایط علی شامل مولفه های استقلال اقتصادی، سیاسی و قانونی بانک مرکزی می باشد که در ذیل به تفکیک توضیح داده شده است.

■ تحلیل کیفی مولفه استقلال اقتصادی بانک مرکزی

استقلال اقتصادی به عواملی از قبیل کنترل اعتبارات بانک مرکزی توسط دولت، مقدار آزادی بانک مرکزی در تعیین سهم، نسبت سود سپرده‌ها، تسهیلات و مقدار توانایی این بانک در کنترل سیاست‌های پولی بستگی دارد (معانت پژوهش‌های اقتصادی، ۲۰۱۶). با توجه به آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط که دربرگیرنده استقلال اقتصادی بانک مرکزی است، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز نیستند بیش از آن‌چه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به موجب دستورهای یا آیین‌نامه‌های خاص تعیین می‌نماید به ارکان خود که در ادبیات بین‌المللی نظارت بانکی، «اشخاص مرتبط» نامیده می‌شوند، تسهیلات یا اعتبار اعطا نمایند. در همین راستا، در سال ۱۳۸۲ مقرراتی تحت عنوان «آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط» تدوین و پس از تصویب توسط شورای محترم پول و اعتبار به شبکه بانکی کشور ابلاغ شد. پس از آن در سال ۱۳۸۹، آیین‌نامه یاد شده مورد بازنگری قرار گرفت. ویرایش جدید آیین‌نامه مورخ ۱۳۹۴.۸.۵ شورای پول و اعتبار به تصویب رسید (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۲۰۱۶). بعد از اصلاحات آیین‌نامه و با توجه به این که در آیین‌نامه جدید بسیاری از نگرانی‌ها و مشکلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در اجرای نسخه قبلی آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط، مرتفع شد، انتظار می‌رود شبکه بانکی کشور بیش از پیش التزام و اهتمام خود را به رعایت «آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط» که از نقش و جایگاه ویژه‌ای در ارتقای شفافیت و هدایت سیستم بانکی کشور به ایفای نقش و کارکرد واسطه‌گری وجوه برخوردار است، نشان دهد. گرچه در خصوص اختلاف نرخ‌ها بین تسهیلات و سپرده‌ها، آنچه در عمل در نظام بانکی اتفاق افتاده عدم توجه به رسالت بانک‌ها و کسب سودآوری از طریق اختلاف نرخ‌ها بین تسهیلات و سپرده‌ها می‌باشد (Yazdani & Shokouei Ronighi, 2022). عدم توجه به رسالت‌های نظام بانکی، فعالیت‌های سفته‌بازی در سیستم بانکی را افزایش می‌دهد. این موضوع می‌تواند یکی از دلایل عدم تمایل در افشای اطلاعات و بالطبع فقدان شفافیت در نظام بانکی باشد. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان استدلال می‌کند که «اگر دولت خودش را ملزم کند که بدهی‌ها رو به سیستم بانکی به موقع برگرداند، نظام بانکی مجبور نیست که بنا به دلایلی واقعیت را بیان نکند و از بروز اطلاعات شفاف جلوگیری کند». کد الزام دولت به پرداخت بدهی‌ها از این مصاحبه استخراج شده است.

همچنین نظر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان این است «مطالبات نظام بانکی از دولت و مشتریان کلان سیستم بانکی به استقلال نظام بانکی به شدت مرتبط است. اینکه این مطالبات چقدر باشد و چه زمانی بازگشت داشته باشد اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد». کد مطالبات نظام بانکی از دولت و مشتریان کلان سیستم بانکی از این مصاحبه استخراج شده است. نظر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان این است «با توجه به اختلاف بین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات با نرخ تورم که این نیز ناشی از تصمیمات تحت نفوذ دولت‌هاست، طبیعتاً بانک مرکزی نمی‌تواند سیاست‌های پولی کاملاً منطبق بر رشد اقتصادی مداوم را تعیین نماید». کد اختلاف بین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات با نرخ تورم از این مصاحبه استخراج شده است. همچنین «با توجه به انتخاب سیاست‌گذاران بانک مرکزی توسط دولت وقت، سیاست‌های پولی بانک مرکزی متأثر از سیاست‌های مالی دولت‌ها بوده، لذا اعتبارات کنترل شده توسط دولت‌ها نمی‌تواند منجر به شفافیت حقیقی تخصیص منابع نظام بانکی شود». کد انتخاب سیاست‌گذاران بانک مرکزی توسط دولت وقت از این مصاحبه استخراج شده است.

■ تحلیل کیفی مولفه استقلال سیاسی

پرداختن به مفهوم استقلال بانک مرکزی از آن جهت اولویت دارد که زمینه‌ساز یک بانک مرکزی مقتدر و موفق در سیاست‌گذاری خواهد بود. استقلال بانک مرکزی به معنای آزادی سیاست‌گذاران پولی از نفوذ مستقیم سیاسی یا دولتی در اجرای سیاست پولی است. استقلال سیاسی بدین معناست که بانک مرکزی تا چه حد در پیشبرد هدف اصلی خود از فشارهای

سیاسی و اداری مصون است (Mehrani & Mohammadi Oroojeh, 2021). استقلال بانک مرکزی از جنبه‌های گوناگونی (استقلال عملیاتی، قانونی، واقعی، اداری و سیاسی، اقتصادی و...) می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد (معانت پژوهش‌های اقتصادی، ۲۰۱۶). در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان استدلال می‌کند "اکثر ماموریت‌های بانک مرکزی سیاست زده شده است. برای ایجاد شفافیت در تخصیص منابع بانکی، باید ماموریت‌های بانک مرکزی سیاسی نباشد". کد عدم سیاسی شدن ماموریت‌های بانک مرکزی از این مصاحبه استخراج شده است. Mehrani & Mohammadi Oroojeh (2021) بیان کردند که منظور از شفافیت، گشایش امور غیرامنیتی و نظامی بر افراد است، به طوری که رسانه‌ها، سیاست‌ها، فرهنگ‌ها و تصمیمات، قابل عرضه به افکار عمومی باشد تا مردم بتوانند آن‌ها را قضاوت و ارزیابی کنند. درخصوص نفوذ عوامل غیراقتصادی بر عملکرد بانک مرکزی نیز نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است "نفوذ عوامل غیراقتصادی بر عملکرد بانک مرکزی باعث کاهش سطح عملکرد بانک مرکزی و نهایتاً دستوری شدن اقتصاد خواهد شد". درخصوص استقلال سیاسی، نصب و عزل ریاست بانک مرکزی توسط دولت وقت شاخص بسیار قابل توجهی است. به طوری که نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است "با توجه به اینکه حکم رئیس بانک مرکزی بعد از تایید مجمع بانک مرکزی توسط رئیس جمهور تنفیذ می‌شود و اینکه کلیه اعضاء مجمع توسط دولت وقت انتخاب می‌شوند، این وابستگی خود در سیاست‌گذاری پولی اثر مستقیم خواهد داشت و نظرات دولت و کسری بودجه غالباً از طریق سیاست‌های پولی جبران می‌شود که منجر به رشد پایه پولی و ایجاد تورم می‌شود، لذا توصیه می‌شود تعیین تعدادی از افراد مجمع توسط نهادهای غیردولتی صورت پذیرد. بعلاوه، با توجه به انتخاب سیاست‌گذاران بانک مرکزی توسط دولت وقت، سیاست‌های پولی بانک مرکزی متأثر از سیاست‌های مالی دولت‌ها بوده است و اغلب دولت‌ها کسری بودجه را که ناشی از سیاست مالی دولت‌هاست با سیاست پولی بانک مرکزی جبران می‌نمایند". کد انتخاب سیاست‌گذاران بانک مرکزی توسط دولت وقت از این مصاحبه استخراج شده است.

■ تحلیل کیفی مولفه استقلال قانونی

استقلال بانک مرکزی از منظر قانونی به آزادی، انعطاف‌پذیری و اختیار عملی اطلاق می‌شود که قانون برای بانک مرکزی قائل شده است (معانت پژوهش‌های اقتصادی، ۲۰۱۶). در استقلال قانونی، شاخص‌های اصلی حکمرانی خوب در دولت‌های توسعه‌گرا بر همه نهادها و سازمان‌ها اعمال می‌شوند (Ehsani et al., 2019). شفافیت، استانداردهای مطلوب حسابداری است که صورت‌های مالی تهیه شده بر اساس آن در همان دوره‌ای که اتفاق می‌افتد، نه قبل و بعد از آن دوره، گزارش می‌شود. Yazdani & Shokouei Ronighi (2022) دریافتند که عمدتاً تدوین برخی از استانداردهای بین‌المللی در نظام بانکی بر اثر تجربه‌هایی است که بعد از بحران‌های جهانی در نظام بانکی حاصل شده است. رعایت استانداردهای کفایت سرمایه، ریسک اعتباری و ... نه تنها به افزایش شفافیت منجر می‌شود بلکه می‌تواند شاخص مناسبی از عملکرد و کارکرد مدیران این سازمان‌ها باشد. در این خصوص نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است "برای شفافیت تخصیص منابع بایستی استانداردهای بین‌المللی در ذخیره‌گیری از این مطالبات و هزینه‌های مرتبط به آن به‌طور نظام‌مند محاسبه شود". کد رعایت استانداردهای مطالبات و هزینه‌ها از این مصاحبه استخراج شده است. نظر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان این است که "بانک مرکزی هر کشور مسئولیت تنظیم بازار پولی و حفظ ارزش پول ملی را بر عهده دارد. بنابراین تکالیف قانونی که به این مسئولیت آسیب برساند شاید در کوتاه‌مدت محقق شدن برخی اهداف دولت‌ها را در پی داشته باشد اما نهایتاً نظام پولی و اعتباری کشور را نامتوازن و آسیب‌پذیر خواهد کرد". کد تاثیر تکالیف قانونی در بلندمدت به نظام پولی از این مصاحبه استخراج شده است. همچنین "در صورتی که بانک مرکزی بتواند با استقلال کامل سیاست‌گذاری پولی را انجام دهد، با وجود سیستم نظارت کارا بر اجرای

سیاست‌های پولی، نحوه و میزان تخصیص منابع پولی را در نظام بانکی کنترل کرده و این منجر به شفافیت در این حوزه می‌شود". کد استقلال سیاسی به همراه نظارت کارا از این مصاحبه استخراج شده است.

- مقوله محوری

مقوله محوری در این تحقیق، شفافیت تخصیص منابع می‌باشد. بانک‌ها به عنوان قلب نظام مالی در اقتصاد ایران، نقش بسیار مهم و اساسی در ایفای نقش‌های نظام مالی بازی می‌کنند (Sadaqat Parast et al., 2015). توسعه محدود بازارهای سرمایه و سایر شبکه‌های غیردولتی و قراردادی در کشور، بار سنگین تأمین مالی بخش‌های واقعی اقتصاد را بیشتر بر عهده شبکه بانکی کشور گذاشته است که این امر، نقش، اهمیت و رسالت سیستم بانکی را دو چندان می‌کند. عدم توجه دقیق در تخصیص بهینه منابع مالی در دسترس بانک‌ها و نیز مؤسسات مالی، ممکن است صدمات جبران‌ناپذیری را به کل سیستم اقتصادی یک کشور وارد نماید. مکمل اقدامات بانک مرکزی در زمینه سیاست‌گذاری پولی، اطلاع‌رسانی شفاف آن به عموم است، زیرا شفافیت سیاست‌های بانک مرکزی به عملکرد بهتر منتج می‌شود. از اینرو، سیاست ارتباطی بانک مرکزی می‌تواند با ایجاد دانش عمومی و هدایت انتظارات عموم، کارآیی سیاست‌گذاری پولی را افزایش دهد (معانت پژوهش‌های اقتصادی، ۲۰۱۶). مقوله محوری شامل مولفه‌های اثربخشی در کیفیت اطلاعات و اثربخشی در دسترسی به اطلاعات است که در ذیل به تفکیک توضیح داده شده است.

■ تحلیل کیفی اثربخشی در کیفیت اطلاعات

اثربخشی در کیفیت اطلاعات در شفافیت در تخصیص منابع بانکی به معنای بهبود واقعیت و دقت اطلاعاتی است که در فرآیندهای تخصیص منابع و عملکرد بانک‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این راستا، شفافیت در تخصیص منابع به وضوح و نقشه‌برداری دقیق و علنی از اطلاعات مالی و عملیاتی بانک‌ها می‌پردازد، که این امر منجر به ارتقای کیفیت و دقت اطلاعات می‌شود. شفافیت بانکی، اغلب وجود اطلاعات متقارن بین بانک‌ها و بخش خصوصی تعریف می‌شود و درجه شفافیت بانک، معمولاً با میزان اطلاعات منتشر شده برای عموم اندازه‌گیری می‌شود. بنابراین، ارائه اطلاعات بیشتر توسط بانک، موجب درجه بالاتری از شفافیت می‌شود (Ehsani et al., 2019). منظور از شفاف‌سازی، توزیع گزارش‌های مالی با کیفیت مناسب است و هدف از این شفافیت و کیفیت در صورت‌های مالی ارزیابی صحیح و واقعی از قیمت‌های سهام بانک است (Bhimavarapu et al., 2023). تحقیقات نشان می‌دهد که یکی از مؤلفه‌های اصلی نظام تورم کنترل شده، شفافیت بسیار بالا است. بحث شفافیت بانک‌ها به سطح کلان اقتصاد و حتی تجارت خارجی هم مرتبط است (Losada & Alkire, 2019). یکی از عناصر مهم مدیریت انتظارات توسط سیاست‌گذار پولی، معتبر بودن سیاست‌ها و اعلان‌های سیاستی بانک مرکزی است. هر چه سیاست‌های پولی قاعده‌مندتر و قابل پیش‌بینی‌تر باشد، مؤثرتر است زیرا سبب شکل‌دهی موفق انتظارات عمومی می‌شود.

درخصوص اثربخشی کیفیت اطلاعات، نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است که "معمولاً شرکت‌های بزرگ و نزدیک به مرکز سریع‌تر و دقیق‌تر به اطلاعات منابع قابل تخصیص دسترسی پیدا می‌کنند و یا با توجه به نگاه‌داری بانک‌ها و تخصیص بخش قابل توجهی از منابع به شرکت‌های اقماری خود، اطلاعات ارائه شده بی‌کیفیت بوده و لذا اثربخش نیستند". کد تخصیص بخش قابل توجهی از منابع به شرکت‌های اقماری از این مصاحبه استخراج شده است. نظر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان این است که "علیرغم سیاست‌گذاری بانک مرکزی در خصوص نسبت تخصیص منابع در حوزه‌های مختلف، نگاه‌داری بانک‌های خصوصی، سبب ناکارآمدی اثربخشی در کیفیت اطلاعات می‌شود". کد نسبت تخصیص منابع در حوزه‌های مختلف از این

مصاحبه استخراج شده است. همچنین نظر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در خصوص نسبت تخصیص منابع براساس ضرایب تعیین شده این است که "اطلاعات تخصیص منابع در نظام بانکی صرفاً بر اساس ضرایب تعیین شده در بخش‌های مختلف اعلام می‌شود. بنابراین، با توجه به عدم کیفیت لازم، اثربخشی کافی را نیز نخواهد داشت.

■ تحلیل کیفی اثربخشی در دسترسی به اطلاعات

اثربخشی در دسترسی به اطلاعات در شفافیت تخصیص منابع به معنای افزایش راحتی در دستیابی به اطلاعات مرتبط با فرآیندهای تخصیص منابع در نظام بانکی است. این اصطلاح به بهبود قابلیت دسترسی، شفافیت در ارائه اطلاعات مالی و عملیاتی بانک‌ها و ارائه اطلاعات به صورت واضح و بدون ابهام به نهادهای مختلف مرتبط با نظام بانکی، اشاره دارد. در نتیجه، این مفهوم به بهبود کیفیت اطلاعات مورد استفاده در فرآیندهای تصمیم‌گیری و مدیریتی نظام بانکی کمک می‌کند. در واقع، شفافیت معادل آزادی اطلاعات است. حق هر کدام از شهروندان، آگاهی از فرآیندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مرتبط با شناخت مکانیسم‌های اتخاذ تصمیم جزء ویژگی‌ها شفافیت است (Lindstedt & Naurin, 2016). در خصوص دسترسی آسان به عملیات داخل سازمان Erfani Jahanshahi & Afshari (2019) استدلال کردند که منظور از باز بودن مؤسسه‌ها، دسترسی آسان به عملیات داخل سازمان و منظور از آشکار بودن مؤسسه‌ها، وضوح اطلاعات است. وجه اشتراک همه این تعریف‌ها، قابلیت دسترسی به اطلاعات و توانایی برقراری ارتباط و وجود جریان ارسال و دریافت اطلاعات است. نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص این است که "با توجه به اینکه حجم عمده عملیات بانک‌ها تحت تاثیر سیاست‌های دولت‌ها می‌باشد، اطلاعات در نظام بانکی اثر بخشی لازم را ندارند". کد دستیابی بدون مانع به اطلاعات معتبر از این مصاحبه استخراج شده است. دسترسی به اطلاعات با کیفیت زمانی اثربخش خواهد بود که سیاست‌گذاری پولی وابسته دولت و مجلس نباشد. کد ارتباط دسترسی به اطلاعات با کیفیت با استقلال بانک مرکزی از این مصاحبه استخراج شده است.

- مقوله استراتژی

استراتژی‌ها در نظریه‌پردازی داده بنیاد، به پلن یا برنامه‌هایی اشاره دارد که رسیدن به پیامدها از طریق آن‌ها صورت می‌گیرد. استراتژی‌ها در شفافیت تخصیص منابع در این تحقیق شامل استراتژی نظارت پویا، استراتژی استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی، تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین می‌باشد که در ذیل شرح داده شده است.

■ تحلیل کیفی استراتژی نظارت پویا

نظارت پویا در تخصیص منابع در نظام بانکی به اقدامات و سیاست‌های دولتی اشاره دارد که به صورت علنی و شفاف انجام می‌شوند و بر توزیع منابع و منابع مالی در بانک‌ها و نظام بانکی تأثیر می‌گذارند. این اقدامات باید به صورت شفاف و با ارائه اطلاعات کافی و در دسترس به نهادهای عموم مردم انجام شود تا فرآیند تخصیص منابع به صورت عادلانه و مؤثر صورت بگیرد و از برخوردهای نادرست و فساد پیشگیری شود. در این خصوص نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است که "برای این که در تخصیص منابع شفافیت وجود داشته باشد می‌توان از سیستم نظارت و ارزیابی استفاده کرد که از طریق مجلس، نظارت بر این امور انجام شود. کد برخورداری از سیستم نظارت کارآمد از طریق مجلس از این مصاحبه استخراج شده است. شاخص‌های نظارت درون‌سازمانی یا خوداظهاری، نظارت برون‌سازمانی مردمی، نظارت ناظران رسمی و تقویت نظارت فنی و بهبود استقلال بانک مرکزی نیز از جمله شاخص‌های مهم نظارت کارآمد می‌باشد.

■ تحلیل کیفی استراتژی استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی

برای ایجاد شفافیت در تخصیص منابع در نظام بانکی، سامانه‌های پایه و کاربردی می‌توانند به شکل‌های مختلف برای رسیدن به پیامدهای تخصیص منابع کارساز باشند. سامانه‌ها از طریق یک زنجیره مرتبط و متصلی از بانک‌های داده‌های اقتصادی، با ایجاد یک چرخه تکاملی، فرآیند کسب و راستی‌آزمایی اطلاعات را در سه زمینه اسناد، کالا و خدمات، پول و دارایی‌های مالی، باز تصحیح می‌کنند. این سامانه‌ها نسبت به سرشماری اطلاعات بسیار جامع‌تر می‌باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶). درخصوص سامانه‌های مدیریت مالی نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است که "برای ثبت و پیگیری تراکنش‌ها و فعالیت‌های مالی، بانک‌ها و مؤسسات مالی به کار می‌روند. اطلاعات دقیق و به‌روز این سامانه‌ها، به مدیران، نهادهای نظارتی و عموم مردم ارائه می‌شود که از شفافیت فرآیندهای تخصیص منابع حمایت می‌کند". همچنین درخصوص سامانه‌های گزارش‌دهی و سامانه‌های نظارت و بازرسی نظر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان این است که "سامانه‌های گزارش‌دهی برای تولید و انتشار گزارش‌های مالی و عملیاتی بانک‌ها به کار می‌روند. گزارش‌های دقیق و منظم که به‌طور عمومی منتشر می‌شوند، نقش اساسی در افزایش شفافیت دارند. همچنین سامانه‌های نظارت و بازرسی برای نظارت و بازرسی به صورت آنلاین بر روی فعالیت‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی استفاده می‌شوند. این نظارت‌ها باید به‌طور شفاف و با اطلاع‌رسانی مناسب انجام شود تا از رعایت قوانین و پیشگیری از فساد اطمینان حاصل شود.

■ تحلیل کیفی تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری

در تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی، (Ghazinoori et al (2017 بیان کردند که این روش معاملات فناوری وام‌دهی را شامل می‌شود که در آن، مؤسسات مالی از طریق تمرکز بر زیرمجموعه‌ای از دارایی‌هایی شرکت شامل حساب‌های دریافتی، موجودی، تجهیزات و املاک و مستغلات به عنوان منبع اصلی بازپرداخت، به مشکل عدم تقارن اطلاعات رسیدگی می‌کنند. بعنوان مثال یارانه‌ها و کمک‌های بلاعوض به عنوان تخصیص شفاف بر دارایی و سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده است. در این خصوص نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است که "این نوع از حمایت‌های مالی انواع بسیار منعطف و متنوعی داشته و معمولاً توسط نهادهای مالی یا بنگاه‌های حکومتی در اختیار شرکت‌های کوچک و متوسط قرار می‌گیرند. در حالی که وام‌های بلاعوض، بیشتر جهت سرمایه‌گذاری در مرحله تحقیقات مورد استفاده قرار می‌گیرند. یارانه‌ها می‌توانند در سرتاسر عمر شرکت‌ها و حسب صلاحدید دولت اعطاء شوند. در مداخلات علاوه بر یارانه‌ها و کمک‌های بلاعوض که اشاره شد، صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر دولتی وجود دارد که این روش، دولت به طور مستقیم و در قالب سرمایه‌گذاری خطرپذیر در شرکت‌های کوچک و متوسط سرمایه‌گذاری می‌کند.

در طرح‌های ضمانت، ضمانت‌های وام و سهام در راستای حل مشکلات مربوط به وثیقه و پیشینه اعتباری شرکت‌ها مطرح شده‌اند و ابزارهای مالی هستند که تمام یا بخشی از ریسک سرمایه‌گذاری را از سرمایه‌گذاران به ضمانت‌کنندگان منتقل می‌کنند. در طرح صندوق مادر نیز صندوق‌های دولتی به جای سرمایه‌گذاری مستقیم در شرکت‌های تازه تأسیس در سبدهای شرکت‌های خصوصی سرمایه‌گذاری خطرپذیر، سرمایه‌گذاری می‌کنند. درمداخله شفاف، بحث نظارت و ارزیابی وجود دارد به طوری که نظر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان این است که "ارائه آمار پرونده‌های تسهیلاتی کلان با ذکر جزئیات از زمان تخصیص منابع تا حصول اهداف تعیین شده توسط متقاضی تسهیلات به شکل الکترونیکی به نظر می‌رسد که کارساز باشد. کد ارائه آمار پرونده‌های تسهیلاتی کلان با ذکر جزئیات از این مصاحبه استخراج شده است.

■ تحلیل کیفی تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین

در تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین، شاخص‌هایی همچون اوراق قرضه مشارکتی وجود دارد. بعبارتی سازمان با انتشار اوراق قرضه، تعهدی قانونی برای پرداخت سود به صورت مستقل از عملکرد شرکت و بازگرداندن اصل مبلغ به هنگام سررسید اوراق پیدا می‌کند. با این وجود، شرایط قرارداد می‌تواند این امکان را برای شرکت فراهم کند که اوراق را پیش از موعد سررسید، بازخرید نماید. همچنین در خرید دین توسط واسطه‌های مالی، در این روش بانک پس از توسعه وام‌های اعطائی به شرکت‌های کوچک و متوسط، این شرکت‌ها را در پورتفولیوی قرار داده و از طریق انتشار اسناد به شرکت واسطه که با همین هدف به تازگی تأسیس شده، می‌فروشد. این شرکت نیز اوراق جدیدی را به پشتوانه پرداخت‌های بنگاه‌ها منتشر و به سرمایه‌گذاران می‌فروشد. در روش اوراق قرضه تحت پوشش، از این لحاظ که از طریق وام‌ها پشتیبانی می‌شوند شبیه بدهی اوراق بهادار عمل می‌کنند. تفاوت مهم اوراق بهادار و اوراق قرضه تحت پوشش در این است که دارایی‌های اوراق قرضه تحت پوشش بجز انواع خاص آن در ترازنامه صادرکننده باقی می‌ماند. بنابراین، این اوراق نمی‌توانند به تقویت نرخ سرمایه صادرکننده کمک نمایند.

- مقوله پیامدها

پیامدهای خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی در نظام بانکی ایران شامل شکوفایی اقتصاد دانش محور و توسعه اشتغال می‌باشد که در ذیل به تفکیک آمده است.

■ تحلیل مولفه شکوفایی اقتصاد دانش‌محور

امروزه، مانند اکثر کشورهای جهان، در ایران نیز شکوفایی اقتصاد دانش‌محور به خوبی مشهود است (Roodari et al., 2018). در این خصوص نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است که "مهم‌ترین هدف برنامه‌های توسعه در هر کشور، توسعه اقتصادی است یعنی اقتصادی که دانش‌محور باشد. اگر این اقتصاد در هر کشوری رشد کند منابعی بدست می‌آید که به شکل مستمر می‌تواند تولید ثروت کند و برای نسل‌های بعدی ماندگار است". کد تولید ثروت مستمر از این مصاحبه استخراج شده است. همچنین نظر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان این است که "از الزامات رشد اقتصادی، چشم‌انداز روشن از اقتصاد هر کشور می‌باشد که باعث جذب سرمایه‌گذاری با رویکرد دانش بیان می‌شود، شفافیت تخصیص منابع بانکی خود می‌تواند سیاست‌گذار را در اتخاذ تصمیم‌های درست و یجا یاری نماید. کد جذب سرمایه‌گذار دانش‌بنیان از این مصاحبه استخراج شده است.

■ تحلیل مولفه توسعه اشتغال

کسب و کارهای دانش‌بنیان نقش مهمی در اثربخشی تولید، تبلور دانش در محصولات و خدمات جدید، ارتقاء سطح اقتصاد و رفاه در یک جامعه ایفا می‌کنند (Fotoohi, 2024). حرکت به سوی نوآوری و ایجاد تغییر در ترکیب محصولات و خدمات در قلمرو فعالیت‌های یک شرکت دانش‌بنیان قرار دارد. همچنین تقاضا برای کارگران بسیار ماهر و ایجاد بخش‌های "دانش‌بر" و "فن‌آوری‌محور" در اقتصادهای دانش‌بنیان از پویاترین بخش‌ها در قالب اشتغال می‌باشد. نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در توسعه اقتصاد کشور طی چند سال گذشته پررنگ‌تر شده و حمایت بانک‌ها نیز در روند رو به رشد این شرکت‌ها تاثیر فراوانی داشته است. امروزه، اقتصاد دانش‌بنیان به کمک شرکت‌های دانش‌بنیان بدون نیاز به سرمایه‌های هنگفت، شکل می‌گیرند و نقش مهمی در افزایش تولید، بهره‌وری و اشتغال‌زایی ایفا می‌نمایند. بانک‌ها نیز با درک نقش ویژه شرکت‌های دانش‌بنیان سرمایه‌گذاری و حمایت از این شرکت‌ها را در اولویت‌های خود قرار داده‌اند. در این خصوص نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است که

"شفافیت در تخصیص منابع در نظام بانکی منجر به توزیع عادلانه منابع در بین بخش‌های مختلف اقتصادی و عامه مردم در حوزه اشتغال خواهد شد". کد توزیع عادلانه منابع از این مصاحبه استخراج شده است.

- مقوله زمینه

زمینه برای خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی در نظام بانکی ایران شامل مولفه‌های سیاست‌های حمایتی و اقتصاد دانش‌بنیان می‌باشد که در ذیل به تفکیک آمده است.

■ تحلیل کیفی سیاست‌های حمایتی

در کشور ایران، همسو با جریان‌ها و تحولات اقتصاد جهانی در ابتدای سال ۸۷ ایده‌ای مبنی بر لزوم وجود قانون مستقل برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان از سوی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری مطرح شد. لذا مجلس شورای اسلامی در ۱۳۸۹ قانون حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان را تصویب نمود. پشتوانه فکری این قانون از چشم‌اندازی بود که ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان منجر به جذب و تبدیل ایده‌ها و ابتکارات، نوآوری‌ها در تولید و ایجاد مشاغل پایدار، دستیابی به توسعه منطقه‌ای، تسهیل و فراهم نمودن امکان استفاده از تخصص و توانمندی‌های علمی در جهت رفع نیازها و تحقق اهداف توسعه کشور خواهد شد. در این خصوص نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است که "امکان تدوین و اجرای سیاست‌ها از سمت دولت برای شفافیت بهتر در تخصیص منابع وجود دارد". کد سیاست‌های حمایتی از طریق دولت از این مصاحبه استخراج شده است.

■ تحلیل کیفی اقتصاد دانش بنیان

تراکم دانش، نیروی محرکه رشد اقتصادی است و توسعه فناوری‌های جدید زیربنای لازم را برای ابتکار و نوآوری‌های بیش‌تر فراهم می‌آورد. در این خصوص نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است که "در اقتصاد کشورهای توسعه یافته، مفهومی به نام "اقتصاد اطلاعات محور" که اساس آن مبتنی بر استفاده گسترده از فناوری اطلاعات است و جایگزین اقتصاد صنعتی شده، وجود دارد که به آن "اقتصاد دانش‌بنیان" گفته می‌شود. کد اشاعه گسترده فناوری اطلاعات از این مصاحبه استخراج شده است.

- مقوله مداخله‌گر

مداخله‌گرهای خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی در نظام بانکی ایران شامل چالش‌های پیاده‌سازی خط‌مشی‌گذاری و چالش‌های شرکت‌های دانش‌بنیان می‌باشد که در ذیل به تفکیک توضیح داده شده است.

■ تحلیل کیفی چالش‌های پیاده‌سازی خط‌مشی‌گذاری

پیچیده‌تر شدن محیط اهداف، ابزار و روش‌شناسی خط‌مشی‌ها را مورد تردید قرار داده است، به‌رحال فرصت‌های گسترده‌ای نیز جلوی آن ایجاد می‌نماید (Bayati et al., 2021). خط‌مشی‌گذاری از طرفی به عنوان رشته‌ای علمی پژوهشی مورد توجه قرار گرفته و از طرفی دیگر خط‌مشی‌گذاری به حرفه‌ای مبدل گشته که افراد حرفه‌ای با رعایت شاخص‌های خاص می‌توانند در فرایند خط‌مشی‌گذاری مشارکت نمایند. عده‌ای نیز خط‌مشی‌گذاری را به عنوان فرآیند تبدیل اولویت‌های دولتمردان به برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها می‌دانند. عواملی مانند تغییر نقش دولت‌ها، تعریف مسئولیت‌های جدید حاکمان، رویکردهای جدید اداره امور عمومی، انتظارات جدید شهروندان، مسائل و موضوعات پیش آمده در عرصه ملی و جهانی از عواملی هستند که به پیچیده‌تر شدن محیط خط‌مشی‌ها می‌انجامد. در این خصوص نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان این است که "در فرآیند تدوین خط‌مشی‌گذاری، بازیگران بسیاری در حوزه‌های مختلف، و در بازه‌های زمانی متغیر، بر سر راه حل‌های مسائل جامعه در حال

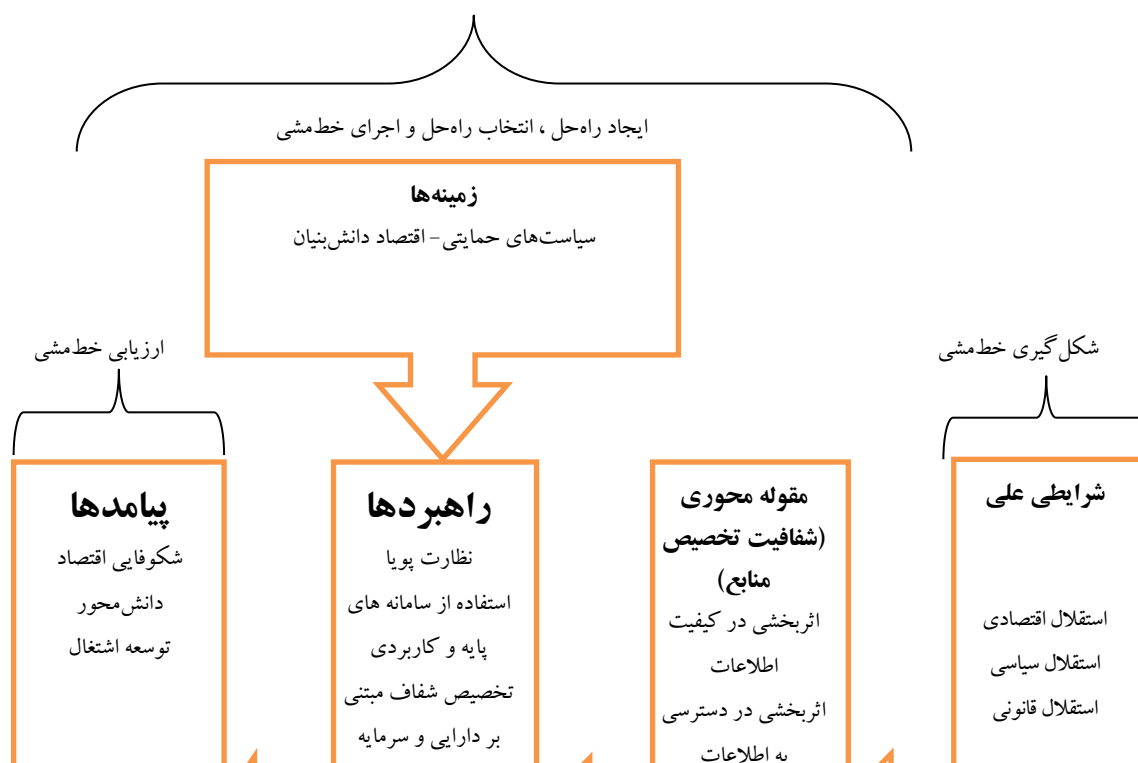
گفتگو و تعامل هستند. هر یک از این بازیگران خط‌مشی، اهداف، منافع، برداشت‌ها و دغدغه‌های خاص خود را نسبت به حل مسائل عمومی دارند. کد واکنش بازیگران خط‌مشی‌گذاران از این مصاحبه استخراج شده است.

■ تحلیل کیفی چالش‌های شرکت‌های دانش‌بنیان

در حال حاضر، بانک‌ها در تخصیص منابع به شرکت‌های دانش‌بنیان مشارکت کمی دارند. در این راستا، گرچه اقداماتی انجام شده است اما منابع تخصیص داده شده و مسیر تخصیص این منابع از سمت نهادهای مالی خصوصاً بانک‌ها شفاف نیست، به این معنا که نحوه تخصیص این منابع به این شرکت‌ها روشن نیست و در هاله‌ای از ابهام قرار دارد (Haji Asghari et al., 2018). "بخش بانکداری و خدمات مالی ایران در مقایسه با استانداردهای جهانی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، هنوز به شکل رضایت بخش توسعه نیافته است، نظام منسجم تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری در سیستم بانکی به شکل کشورهای توسعه یافته و کامل، هدف نظام بانکی است که باید به آن برسد". کد فقدان نظام منسجم تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری از این مصاحبه استخراج شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی

در عصر حاضر، اقتصاد کشورهای توسعه یافته بر محور شرکت‌های دانش‌بنیان بنا شده است، به نحوی که حجم وسیعی از فعالیت بنگاه‌های فعال آن‌ها را شرکت‌های دانش‌بنیان تشکیل می‌دهد. این امر، یکی از علل پیشرفت سریع تکنولوژی در دهه گذشته می‌باشد. در یک اقتصاد دانش‌محور، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال متناسب با ظرفیت نوآوری تحقق می‌یابد. دسترسی به ظرفیت‌های مناسب برای کارآفرینان و پژوهشگران عامل مهمی در ایجاد نوآوری و بهره‌برداری از توان فناوری در توسعه ملی است و شرکت‌های دانش‌بنیان به عنوان مزیت رقابتی کشورها و موتور محرک رشد اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌شوند. در سال‌های اخیر، نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در توسعه اقتصاد ایران، پررنگ‌تر شده و حمایت بانک‌ها نیز در روند رو به رشد این شرکت‌ها تاثیر فراوانی داشته است. بنابراین با توجه به اهمیت ادبیات موضوع این مطالعه با هدف مدل خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی ایران با تمرکز بر شرکت‌های دانش‌بنیان انجام شده است. لذا بدین منظور مطالعه‌ای متفاوت نسبت به تحقیقات گذشته انجام شده به طوری که نتایج این مطالعه می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مورد نظر برای شفافیت تخصیص منابع بانکی ایران و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، با توجه به یافته‌های به دست آمده در فصول قبل مدل مورد نظر طراحی و تبیین گردید. در شکل (۲) الگوی نهایی مستخرج شده از نتایج این مطالعه ارائه شده است:



شکل ۲: الگوی مستخرج شده از تحقیق

در این پژوهش، مقوله عوامل علی شامل ۳ مولفه استقلال اقتصادی، سیاسی و قانونی بانک مرکزی می‌باشد. در تبیین مولفه استقلال اقتصادی می‌توان بیان کرد که بانک مرکزی می‌تواند با کاهش اختلاف نرخ‌ها بین تسهیلات و سپرده‌ها به شفافیت هر چه بیشتر در نظام بانکی ایران کمک نماید. همچنین مطالبات نظام بانکی از دولت و مشتریان کلان سیستم بانکی به استقلال نظام بانکی به شدت مرتبط است. مقدار مطالبات و زمان بازگشت آن‌ها، اهمیت قابل توجهی در شفافیت تخصیص منابع بانکی دارد. در این راستا، الزام دولت به پرداخت بدهی‌ها نیز در این زمینه کمک‌کننده خواهد بود. همچنین فرآیند بازپرداخت بدهی‌ها و دیون دولت به نظام بانکی از شاخص‌های مهم استقلال نظام بانکی است که هر چقدر این فرایند کوتاه‌تر باشد، نتایج آن برای نظام بانکی اثربخش‌تر است و موجب شفافیت بیشتر در تخصیص منابع در نظام بانکداری خواهد شد. در این راستا، عدم مشکلات بانک‌ها در بازپرداخت تعهدات خود، وجود سپرده‌های سرمایه‌گذاران در بانک، جلوگیری از کاهش کسری حساب جاری بانک‌ها و تراز بین منابع و مصارف پولی با وجود سرمایه مناسب بانک‌ها می‌تواند به شفافیت تخصیص منابع کمک نماید.

با توجه به واگذاری وظیفه تخصیص درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت به بانک مرکزی توسط دولت و تعیین میزان تسهیلات تکلیفی با نرخ سود و کارمزد مشخص به گروه‌های هدف توسط دولت و مجلس، سیاست‌گذاری پولی در بانک مرکزی وابسته به نظرات دولت و مجلس وقت بوده است. از اینرو، بانک مرکزی برای حفظ استقلال مالی و کمک به شفافیت در تخصیص منابع می‌تواند در انتخاب سیاست‌گذاران بانک مرکزی توسط دولت وقت موثر باشد زیرا سیاست‌های پولی بانک مرکزی متأثر از سیاست‌های مالی دولت‌ها بوده، لذا اعتبارات کنترل شده توسط دولت‌ها نمی‌تواند منجر به شفافیت حقیقی تخصیص منابع بانکی شود. در نظام بانکی می‌توان از ظرفیت شفافیت تخصیص منابع بانکی در راستای تعیین میزان قابلیت‌های سیاست‌های پولی بانک مرکزی در اقتصاد بهره برد. در این زمینه، شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی می‌تواند دلایل ضرر و زیان بانک‌ها را نمایش داده و این امر می‌تواند ضرورت آزادی عمل بانک مرکزی را در اتخاذ سیاست‌های پولی از جمله تعیین نرخ سود سپرده و تسهیلات مطابق با نرخ تورم که خود منجر به کاهش سفته‌بازی می‌شود را رقم بزند و به شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی ایران کمک نماید.

در تبیین مولفه استقلال سیاسی می‌توان گفت که بانک مرکزی می‌بایست فعالیت‌ها و مأموریت‌های خود را به دور از سیاست‌ها و منطبق با اصول اقتصادی و اولویت‌های نظام و جامعه انجام دهد. برای ایجاد شفافیت در تخصیص منابع، بایستی مأموریت‌های بانک مرکزی سیاسی نباشد. در این راستا، جلوگیری از قاچاق ارز، کم کردن میزان دخالت دولت‌ها در بازار ارز می‌تواند به استقلال هر چه بیشتر بانک مرکزی کمک کند تا شفافیت بیشتر در تخصیص منابع بانکی ایران ایجاد شود. بعلاوه، بانک مرکزی باید از نفوذ عوامل غیراقتصادی بر عملکرد بانک مرکزی بکاهد. بعلاوه، توصیه می‌شود تعدادی از افراد مجمع پولی توسط نهادهای غیردولتی تعیین شود تا به استقلال بانک مرکزی کمک کند.

در تبیین مولفه استقلال قانونی بانک مرکزی می‌توان چنین بیان کرد که بانک مرکزی به صورت قانونی قادر باشد در تخصیص منابع بانکی مستقل عمل نموده و متأثر از سازمان، نهاد و یا افراد خاصی در داخل و خارج دولت و سیاست‌گذاران نباشد. در این راستا، ثبات و پرهیز از خشونت، اثربخشی دولت در عمل به قانون و کیفیت تنظیم مقررات در رابطه با مبارزه با فساد می‌تواند در شفافیت تخصیص منابع بانکی تأثیرگذار باشد. همچنین کارآمدی دولت در انجام وظایف و رعایت استانداردهای کفایت سرمایه و مطالبات و هزینه‌ها نیز به شفافیت بیشتر تخصیص منابع کمک می‌کند. وجود استانداردهای مطلوب حسابداری نیز می‌تواند در شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی ایران تأثیر فراوانی داشته باشد. از آنجا که بانک مرکزی هر کشور مسئولیت تنظیم بازار پولی و حفظ ارزش پول ملی را بر عهده دارد. در صورتی که بانک مرکزی بتواند با استقلال کامل سیاست‌گذاری پولی را انجام دهد، با وجود سیستم نظارت کارا بر اجرای سیاست‌های پولی، نحوه و میزان تخصیص منابع پولی را در نظام بانکی کنترل کرده و این منجر به شفافیت در این حوزه می‌شود.

مقوله محوری در این پژوهش شامل ۲ مولفه اثربخشی در کیفیت اطلاعات و اثربخشی در دسترسی به اطلاعات است. در تبیین مولفه اثربخشی در کیفیت اطلاعات می‌توان چنین بیان کرد که نمایش واضح واقعیت یا وضعیت در ترازنامه شرکت‌ها و در اختیار قرار دادن اطلاعات سرمایه‌گذاران به شکل دوره‌ای و معتبر می‌تواند منجر به شفافیت در تخصیص منابع بانکی شود. همچنین افشای کامل و دقیق اطلاعات شرکت‌های مربوطه برای اشخاص سرمایه‌گذار و توزیع گزارش‌های مالی با کیفیت مناسب نیز در این زمینه دارای سهم بسزایی است. در تبیین مولفه اثربخشی در دسترسی به اطلاعات می‌توان چنین بیان کرد که آگاهی از فرایندهای سیاست‌گذاری و شناخت مکانیسم‌های اتخاذ تصمیم‌گیری به طور شفاف و کامل در نظام بانکی و برای شرکت‌ها مشخص و معین باشد. همچنین باید دسترسی به اطلاعات وام‌ها و اعتبار وام‌گیرندگان و دسترسی به ارائه خدمات

دولتی و اطلاعات سیاست‌های مالی و پولی دولت از طریق دسترسی آسان به عملیات داخل سازمان برای نظام بانکی مقدور باشد. دسترسی به اطلاعات با کیفیت زمانی اثربخش خواهد بود که سیاست‌گذاری پولی وابسته به دولت و مجلس نباشد. در این پژوهش راهبرد اصلی خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی می‌باشد که این مقوله شامل ۴ مولفه استراتژی نظارت پویا، استراتژی استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی، تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین است. در تبیین مولفه استراتژی نظارت پویا می‌توان چنین بیان کرد که نظارت پویا از طریق نظارت درون سازمانی یا خوداظهاری توسط شرکت‌ها یا نظارت برون سازمانی توسط مردمی که از خدمات شرکت‌ها استفاده می‌کنند، صورت بگیرد که چون حالت پویا دارد می‌تواند عملکرد شرکت‌ها را به صورت دقیق رصد نموده و به شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی کمک کند. در تبیین مولفه استراتژی استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی می‌توان چنین بیان کرد که این سامانه‌ها که معمولاً توسط بانک مرکزی تدوین می‌شود با شفاف نمودن استفاده از منابع و چگونگی واگذاری منابع می‌تواند به شفافیت بهتر تخصیص منابع در نظام بانکی ایران کمک نماید. از جمله این سامانه‌های پایه و کاربردی استفاده از سامانه‌های کدینگ پایه، احراز هویت، سامانه‌های حقوقی و ورود و خروج کالا و دارایی منقول می‌باشد که می‌تواند مشخصات کلی شرکت‌ها و نحوه فعالیت‌ها و چگونگی استفاده از منابع را به طور کامل شفاف و روشن در اختیار بانک مرکزی قرار دهد تا با استفاده از اطلاعات این سامانه‌ها که معمولاً غیرقابل دستکاری شدن می‌باشند، در راستای تخصیص منابع استفاده نمایند. بعلاوه، سامانه‌های نظارت و بازرسی برای نظارت و بازرسی به صورت آنلاین بر روی فعالیت‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌تواند به رعایت قوانین و پیشگیری از فساد کمک کند. در تبیین مولفه تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری می‌توان چنین بیان کرد که استفاده از وام مبتنی بر دارایی، تنزیل اسناد دریافتی، تأمین مالی خرید، زیر کلید گرفتن انبار، لیزینگ، فرشتگان کسب و کار، سرمایه‌گذاری خطرپذیر، عرضه اولیه عمومی سهام و استفاده از بازارهای سهام جدید به ویژه شرکت‌های نوپا می‌تواند به شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی کمک نماید. همچنین استفاده از یارانه‌ها و کمک‌های بلاعوض نیز در این راستا کمک‌کننده خواهد بود. در تبیین مولفه تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین می‌توان چنین بیان کرد که معمولاً به دلیل حذف واسطه‌ها و مواجهه مستقیم با سرمایه‌گذاران از نرخ بهای کمتری برخوردار است و می‌تواند به شفافیت تخصیص منابع بانکی منجر شود. در این راستا، بانک مرکزی می‌تواند از طریق انتشار اوراق قرضه مشارکتی و اوراق قرضه تحت پوشش، خرید دین توسط واسطه‌های مالی، جایگزینی خصوصی و تأمین مالی جمعی به تخصیص بهتر منابع در نظام بانکی و شفافیت بهتر تخصیص منابع کمک نماید.

پیامدها شامل ۲ مولفه شکوفایی اقتصاد دانش‌محور و توسعه اشتغال است. در تبیین مولفه اقتصاد دانش‌محور می‌توان چنین بیان نمود که هنگامی که در تخصیص منابع در نظام بانکی ایران شفافیت وجود داشته باشد موجب پیامدهایی از جمله تبلور اقتصاد مبتنی بر دانش خواهد شد که به رشد پرشتاب و مستمر اقتصاد کمک می‌کند. وجود شفافیت در تخصیص منابع در نظام بانکی می‌تواند به ثبات و گسترش سیستم بانکداری کمک کند. در تبیین مولفه توسعه اشتغال می‌توان چنین بیان کرد که از دیگر پیامدهای شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی تقویت و توسعه اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور است که با ایجاد فرصت برای خلق صنایع جدید و تبلور دانش در محصولات و خدمات جدید به تولید اثربخش و حرکت به سوی نوآوری کمک شایانی می‌نماید و با ایجاد تغییر در ترکیب محصولات و خدمات و ایجاد کار و تأمین رفاه عمومی موجبات کاهش عدم اعتماد در ک اقتصاد سیاست‌گذاران، اشتغال فراگیر، خروج از رکود و حفظ و تداوم اشتغال در جامعه را فراهم می‌آورد.

راهبردها شامل ۲ مولفه سیاست‌های حمایتی و اقتصاد دانش‌بنیان می‌باشد. در تبیین مولفه سیاست‌های حمایتی می‌توان چنین بیان کرد که عواملی که می‌توانند به شفافیت هر چه بیشتر در این امر در نظام بانکی کمک نمایند. از جمله عوامل مطرح شده سیاست‌های حمایتی است که برای تخصیص شفاف منابع در نظام بانکی معین می‌شود. در این راستا، بانک‌ها با ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه به شرکت‌های دانش‌بنیان و تقویت مکانیزم حمایتی سپرده‌گذاران از طریق ضرورت استقرار سیستم بازخورد به اصلاح یا بهبود قوانین مرتبط با سپرده‌گذاران پرداخته و با استفاده از سیاست‌های حمایتی از طریق دولت به شفافیت هر چه بیشتر تخصیص منابع در نظام بانکی ایران و خصوصاً شرکت‌های دانش‌بنیان کمک می‌نمایند. در تبیین مولفه اقتصاد دانش‌بنیان می‌توان چنین بیان کرد که اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که در آن، تمامی کسب و کارها و صنایع به فراخور نیاز خود، از توزیع و کاربرد دانش در پیشبرد اهداف خود بهره می‌برند. از آنجا که در اقتصاد دانش‌بنیان از فناوری اطلاعات به صورت گسترده استفاده می‌شود، می‌توان با اشاعه گسترده فناوری اطلاعات به توسعه اقتصاد دانش‌بنیان بعنوان زمینه شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی استفاده نمود.

مداخله‌گرها شامل ۲ مولفه چالش‌های پیاده‌سازی خط‌مشی‌گذاری و چالش‌های شرکت‌های دانش‌بنیان می‌باشد. در تبیین مولفه چالش‌های پیاده‌سازی خط‌مشی‌گذاری می‌توان چنین بیان کرد که شناسایی چالش‌های موجود در این زمینه می‌تواند در اجرای بهتر این برنامه‌ها کمک شایانی نماید. از جمله این چالش‌ها، تغییر نقش دولت‌ها و تعریف مسئولیت‌های جدید حاکمان و رویکردهای جدید اداره امور عمومی می‌باشد که می‌تواند چگونگی تخصیص منابع و شفافیت تخصیص منابع را دچار چالش نماید. همچنین با توجه به تغییرات و تحولات روزافزون در جامعه و خلق انتظارات جدید شهروندان از دولت و موضوعات پیش آمده در عرصه ملی و جهانی می‌تواند در خط‌مشی‌گذاری برای شفافیت در تخصیص منابع در نظام بانکی چالش ایجاد کند. در تبیین مولفه چالش‌های شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توان چنین بیان کرد که از جمله چالش‌های موجود در این زمینه مشارکت بانک‌ها در تخصیص منابع، بالا بودن سود تسهیلات، درخواست وثیقه‌های سنگین مور نیاز و آینده مبهم سرمایه‌گذاری در شرکت است که در شفافیت تخصیص منابع در نظام بانکی مداخله دارد. همچنین فقدان نظام منسجم تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری نیز در این زمینه موثر است. در این راستا، پیشنهاد می‌شود فرآیند بازپرداخت بدهی‌ها و دیون دولت به نظام بانکی کوتاه‌تر باشد و دولت خود را ملزم کند که بدهی‌ها به سیستم بانکی را به موقع برگرداند. همچنین استقلال بانک مرکزی در تدوین و ابلاغ سیاست‌های پولی کشور به طور کامل حفظ شود. برای شفافیت تخصیص منابع پیشنهاد می‌شود استانداردهای بین‌المللی در ذخیره‌گیری از این مطالبات و هزینه‌های مرتبط به آن به‌طور نظام‌مند محاسبه شوند. همچنین، پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی به طور مستقل طبق مسئولیت‌های قانونی خود میزان نرخ سپرده‌ها و تسهیلات و نحوه و میزان تخصیص منابع پولی را تعیین نموده و طی دوره‌های مالی مشخص آمار دقیق و نحوه تخصیص منابع را از بانک‌ها مطالبه نماید تا بتواند بر اجرای سیاست‌های پولی نظارت نماید.

منابع

Amiri, F, Gourani, Z, and Ashourzadeh Hosseini, M. (2021). Structural challenges of commercial and monetary policies in Iran's economy and presenting a model of the comprehensive policy-making process. *Ormazd Research Journal*, - 54 (2), 68-74. (in Persian).

Baghernezhad, P., tahrpoor kalantari, H., & bahrami, H. (2019). - Identifying and evaluating the factors affecting the successful implementation of

the public policy of supporting knowledge-based companies and institutions in the country. *Innovation Management in Defensive Organizations*, 1(2), 1-26. (in Persian).

Bayati, M, Sayadi, S, Gyuki, I, Selajgeh, S, Nikpour, A. (2021). Identifying the obstacles to the implementation of public policies in the central bank's deputy supervision group using the meta-composite method. *Public Policy in Management*, 12(3), 31-46. (in Persian).

Bhimavarapu, V. M., Rastogi, S., & Kanoujiya, J. (2023). Ownership concentration and its influence on transparency and disclosures of banks in India. *Corporate Governance, The international journal of business in society*, 23(1), 18-42.

Brikland, W. (2015). Public policy failure and fiasco in education. perspectives on the British examinations crisis of 2000-2002. *Review of Education Routledge*, 33(2): 195–215.

Camisón-Haba, S., Clemente-Almendros, J. A., & Gonzalez-Cruz, T. (2019). How technologybased firms become also highly innovative firms? The role of knowledge, technological and managerial capabilities, and entrepreneurs' background. *Journal of Innovation & Knowledge*, 4(3), 162-170. <https://doi.org/10.1016/j.jik.2018.12.001>

Desalegn, G., Fekete-Farkas, M., & Tangl, A. (2022). The effect of monetary policy and private investment on green finance: evidence from Hungary. *Journal of Risk and Financial Management*, 15(3), 117.

Dergiades, T., Milas, C., Mossialos, E., & Panagiotidis, T. (2022). Effectiveness of government policies in response to the first COVID-19 outbreak. *PLOS Global Public Health*, 2(4), e0000242.

Dosti Shrodani, I, Khani, N. (2022). Designing a resilience policy model for knowledge-based businesses in the era of Corona. *Public Policy in Management*, 13(46), 153-165. (in Persian).

Efunniyi, C. P., Abhulimen, A. O., Obiki-Osafiele, A. N., Osundare, O. S., Agu, E. E., & Adeniran, I. A. (2024). Strengthening corporate governance and financial compliance: Enhancing accountability and transparency. *Finance & Accounting Research Journal*, 6(8), 1597-1616.

Ehsani, M., Farzinvas, A., Elahi, N., & Izadi, R. (2019). Derivation of Optimal Central Bank Transparency for Minimizing the Financial Market Volatility: A Case Study of the Selected States of Organization of Islamic Cooperation. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 6(1), 3-28. (in Persian).

Erfani Jahanshahi, F, Afshari, Z. (2019). Investigating the effect of central bank transparency on inflation fluctuations. *Monetary and Banking Research*, 43(13), 121-148. (in Persian).

Farnoodi, S., Ghazinoory, S., Radfar, R., & Tabatabaian, S. H. (2020). Governmental origin: why NTBFs grow in a transitional economy. *Economic*

Research-Ekonomska Istraživanja, 33(1), 379-398.
<https://doi.org/10.1080/1331677X.2019.1674173>

Fartash, K., Baramaki, T., Saremi, M. S., & Sadabadi, A. A. (2022). the growth challenges of pioneer KBFs of ICT. *Journal of Science and Technology Policy*, 15(3), 41-54.

Fotoohi, A. (2024). EXPLORING CHALLENGES IN IRAN'S KNOWLEDGE-BASED ICT FIRMS: IMPLICATIONS FOR EDUCATIONAL TECHNOLOGIES. DeReMa (Development Research of Management): *Jurnal Manajemen*, 19(2), 162-174.

Ghadami, M., Mousakhani, M., Alwani, S. M., & Yazdani, H. (2022). Developing a Model for Policy Making in Digital Banking, Based on Network Approach. *Iranian Journal of Public Policy*, 8(1), 125-141. (in Persian).

Ghazinoori, S., Bamdad Soofi, J., & Radaei, N. (2017). A Framework for Selecting Financing Instruments Based on Knowledge-Based Firms Clustering. *Journal of Science and Technology Policy*, 10(2), 13-30. (in Persian).

Haji Asghari, S, Mirabi, V, Mehrmanesh, H, Fallah Shams, M. (2018). Providing a model for financing knowledge-based companies through financial crowdsourcing in the Bank of Agriculture. *Financial knowledge of securities analysis*, 12(41), 243-256. (in Persian).

Imawan, A. P., & Fathurrahman, R. (2022). Open Government Data in Pandemic Disease: Encouraging Spatial Policy-Making in East Java and Jakarta. *GEMA PUBLICA*, 7(2), 237-260.

Jensen, A., & Clausen, T. H. (2017). Origins and emergence of exploration and exploitation capabilities in new technology-based firms. *Technological Forecasting and Social Change*, 120, 163-175.
<https://doi.org/10.1016/j.techfore.2017.03.004>

Khatib, M., MOHAGHEGH NIA, M. J., & sadeghi shahdani, M. (2021). Participatory Financing Model of Technological Projects in the Progress Stage Based on the Interest-Free Banking System Framework. *Budget and Finance Strategic Research*, 2(1), 11-50. (in Persian).

Lai, Z. H., & Wu, J. L. (2023). Monetary policy transparency and real exchange rate adjustment. *Review of International Economics*, 31(3), 1173-1198.

Lindstedt, C., & Naurin, D. (2016). Transparency against Corruption. Retrieved may5, 2012. from: http://www.qog.pol.gu.se/digitalAssets/1358/1358046_transparency-against-corruption-_accepted-version_.pdf

Losada-Otálora, M., & Alkire, L. (2019). Investigating the transformative impact of bank transparency on consumers' financial well-being. *International Journal of Bank Marketing*, 37(4), 1062-1079.

Matinnafs, F., Sharifzadeh, F., Rabiee, M., & Hosseini Gol Afshani, S. A. (2020). Structural Challenges of Monetary Policy-Making in Iranian Economy and

Comprehensive Processing Model of Policy-Making. *Iranian Journal of Economic Research*, 25(83), 61-84. (in Persian).

Mehrani, S., & Mohammadi Oroojeh, F. (2021). An Investigation on the Effect of the Bank Opacity on the Regulatory Forbearance. *Accounting and Auditing Review*, 28(3), 487-506. (in Persian).

Roodari, J., zayandehroody, M., & mahrabi, H. (2018). Investigating the Role of the Components of the Knowledge-Based Economy in Iran Present Situation and the Vision Plan Countries Using Multiple- Group Discriminant Analysis and K-Mean Differentiation Analysis. *Industrial Management Journal*, 10(3), 481-501. (in Persian).

Sadaqat Parast, E, Qara Daghi, M, Yazdanpour, H .(2016). Prioritizing the allocation of credit resources of regional branch managements of banks (case study: Sepeh Bank), *Monetary and Banking Research Quarterly*, 10(31), 122-95. (in Persian).

Sarmadi, A., Hassanzadeh, M., & Babalahavaeji, F. (2024). Ranking of the Critical Success Factors of Knowledge Management in the Central Bank of the Islamic Republic of Iran. *International Journal of Knowledge Processing Studies (KPS)*, 4(4), 38-57.

Sattari, O., Yavari, K., & Heydari, H. (2019). Determinants of monetary policy transparency in selected Middle East countries. *The Journal of Economic Policy*, 11(21), 55-76. (in Persian).

Sharifnia M M, mirsepaassi N, faghihi A.(2022). Explaining and prioritizing the Pathology Of Formulation And Implementation Of Monetary Resources Policies And Its Allocation In The Country's Banking System. *mieaoi* , 11 (40) : 291-316. (in Persian).

Strauss, A., & Corbin, J. (1990). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. *Newbury Park, CA: Sage*.

Sulastri, R., Janssen, M., van de Poel, I., & Ding, A. (2024). Transforming towards inclusion-by-design: Information system design principles shaping data-driven financial inclusiveness. *Government Information Quarterly*, 41(4), 101979.

Valibeigi, M., Mohammadi, A., Valibeigi, M., & Zameni, A. (2020). A Framework for KnowledgeBased Enterprise Financial Support in Iran. *Global Economics Science*, 50-55.<https://doi.org/10.37256/ges.12202086>

Wang, Y., Whited, T. M., Wu, Y., & Xiao, K. (2022). Bank market power and monetary policy transmission: Evidence from a structural estimation. *The Journal of Finance*, 77(4), 2093-2141.

Yazdani, M., & Shokouei Donighi, R. (2022). The Effect of Central Bank Transparency on Macroeconomic Stability in Emerging Economies. *Economics Research*, 22(84), 103-138. (in Persian).